

تفکر انتقادی و ضرورت آموزش آن در کلاس درس

دکتر خلیل سلطان القرائی*
دکتر اکبر سلیمان نژاد**

چکیده

مقاله حاضر با بررسی تفکر انتقادی، ضرورت آموزش تفکر انتقادی را در کلاس مورد تأکید قرار می‌دهد، همچنین به بررسی نگرش اسلام به تفکر پرداخته است. تفکر انتقادی چیست؟ چه اهمیتی در آموزش و یادگیری دارد؟ رشد و آموزش تفکر انتقادی در کلاس‌های درس چگونه است؟ و چه کاربردهایی می‌تواند برای اولیای تعلیم و تربیت داشته باشد؟ این مقاله بر آن است تا پاسخگوی این پرسش‌ها و برخی پرسش‌های دیگر باشد. در این بررسی تعاریف مختلفی از تفکر انتقادی معرفی شده‌اند. سپس، اهمیت تفکر انتقادی در آموزش و یادگیری، نظر اسلام در مورد تفکر و کاربردهای آن از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی

تفکر انتقادی، آموزش، اسلام.

مقدمه

یکی از مهارت‌هایی که باید در هر نظام آموزشی به دانش‌آموزان آموخته شود، مهارت اندیشیدن است. برای عملی شدن این مهم، معلم باید در افزایش مهارت‌های تفکر و استدلال شاگردان خود بکوشد و آنها را از مرحله یادگیری طوطی‌وار مطالب، به مرحله تفکر سوق دهد و آنها را در یافتن راه‌حل مناسب که اساس یادگیری توأم با تفکر است، آموزش دهد؛ به طوری که دانش‌آموزان بتوانند مهارت‌های کسب شده را در درس گوناگون و موقعیت‌های مختلف زندگی استفاده کنند، زیرا زندگی دانش‌آموزان محدود به مدرسه نبوده و باید یادگیری مهارت‌های تفکر به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل آموزش و پرورش باشد؛ به عبارتی دیگر، محور فعالیت‌های مراکز آموزشی باید آموختن اندیشیدن باشد نه آموزش اندیشه‌ها. در چنین وضعیتی است که ادامه جریان تفکر در مدرسه امکان‌پذیر می‌شود. در این راستا و در تحقق هدف اصلی نظام آموزش و پرورش که همان پرورش شیوه تفکر در دانش‌آموزان است، معلم باید به رشد و گسترش فرایند تفکر و انتقاد در دانش‌آموزان کمک کند.

برای این منظور پس از ارائه تعاریفی از تفکر انتقادی، از عناصر و مهارت‌های تشکیل‌دهنده آن و نحوه آموزش و نقش آن در یادگیری دروس مختلف و ارتباط آن با مهارت‌های فراشناختی و نگرش اسلام به تفکر و درنهایت از کاربردهای آن سخن خواهد آمد.

تعریف و ویژگی‌های تفکر انتقادی

امروزه مقدار اطلاعات در دسترس از طریق رایانه و وسایل ارتباطی از توانایی فرد در استفاده از اطلاعات پیشی گرفته است. در چنین زمینه‌ای لازم نیست محافل آموزشی به منزله مخزن دانش و معلمان به مثابه سخنران و انتقال‌دهنده اطلاعات خدمت کنند؛ از این‌رو، بسیار مهم است که یادگیرندگان مهارت خود را در تفکر افزایش دهند و اطلاعات موجود را پردازش کنند و آنها را به کار برند.

علاقه به توسعه توانایی‌های تفکر انتقادی در محافل آموزشی پدیده جدیدی نیست.

منشأ چنین علاقه‌ای به سقراط برمی‌گردد. سقراط با پرسش‌های ماهرانه، فرد را به تفکر و بیان افکار خود کمک می‌کرد (بنزلی^۱، ۱۹۹۷، ص ۱۹).

امروزه این اصطلاح با اهمیت بیشتری مورد تأکید قرار گرفته است که عمده‌ترین نظریه‌پردازان آنرا رابرت انیس^۲، مائو لپ‌من^۳، رابرت اشتن برگ^۴ تشکیل می‌دهد (بنزلی، ۱۹۹۷، ص ۱۵۶).

انیس، تفکر انتقادی را به‌عنوان تفکر منطقی و مستدلی تعریف می‌کند که مرکز توجه آن تصمیم‌گیری و قضاوت در مورد باورها و اعمال است. به اعتقاد وی وقتی فردی تلاش می‌کند تا مباحث را دقیقاً تحلیل کند، مدارک معتبری جست‌وجو کند و به نتیجه‌گیری‌های معتبر برسد، تفکرش انتقادی خواهد بود (انیس، ۱۹۸۷، ص ۷۶).

لپ‌من، بین تفکر عادی و تفکر انتقادی تمایز قائل می‌شود. به عقیده وی تفکر عادی ساده است، ولی تفکر انتقادی پیچیده‌تر است و مستلزم فرایندهای عالی ذهن و داوری براساس شواهد و مدارک است؛ بر این اساس، مشخص کردن و بیان کردن مسائل، جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل پرسش‌ها، مشاهده و قضاوت درباره اعتبار یک منبع، سازمان‌دهی اطلاعات و نتیجه‌گیری و بررسی نتایج، همه فعالیت‌هایی هستند که در تفکر انتقادی رخ می‌دهند (لپ‌من، ۱۹۹۷، ص ۹۸).

اشتن برگ، تفکر انتقادی را آزمودن راه‌حل‌های پیشنهادی برای مسائل تعریف می‌کند. وی تفکر انتقادی را فرایندی می‌داند که در آن به بررسی و جستجوی دلایل، تحلیل مباحث، تصمیم‌گیری و استنتاج و درنهایت به پرداختن حل مسائل می‌داند (اشتن برگ، ۱۹۷۸، ص ۵۶).

به اعتقاد بنزلی، تفکر انتقادی فرایندی پیچیده و تلاش برانگیز است که نیازمند تمرینات ویژه تفکر و کاربرد مهارت‌های آموخته شده در موقعیت‌های جدید می‌باشد. هر کس نیازمند استفاده از توانایی‌هایش برای تفکر انتقادی است؛ زیرا هدف آن فراهم

1 . Bensley
2 . Ennis , Robert
3 . Lipman
4 . Stenberg

کردن جواب برای سؤال‌هایی است که در محیط‌های آموزشی و زندگی روزمره مطرح می‌شوند (بنزلی، ۱۹۹۷، ص ۱۷۵).

از نظر نلسون^۱ تفکر انتقادی به مجموعه تلاش‌های سازمان‌یافته، هدفمند و جدی برای فهم دنیای پیرامون اطلاق می‌شود که با ارزیابی دقیق ما از تفکرات خود و تفکرات دیگران به منظور روشن‌سازی و بهبود فهم ما صورت می‌گیرد (نلسون، ۲۰۰۱، ص ۸).
به نظر اوزبورن^۲ تفکر انتقادی، کاربرد مهارت‌های تفکر، تحلیل و ترکیب اطلاعات، شناسایی و حل مسئله و ارزیابی آن می‌باشد و انجام هر یک از اینها از طریق مهارت‌های فراشناختی صورت می‌گیرد (اوزبورن، ۲۰۰۲، ص ۷). براون^۳ تفکر انتقادی را آزمودن راه‌حل‌های پیشنهادی برای مسائل می‌داند (براون، ۲۰۰۳، ص ۲۳). سانتروک معتقد است که ما می‌توانیم آگاهانه به ایجاد تفکر انتقادی از طریق الگودهی و ترغیب رفتارها و مهارت‌های آن پردازیم (سانتروک، ۲۰۰۷، ص ۲۱۳).

تفکر در اسلام

عقل و نیروهای عقلانی یکی از جنبه‌هایی است که در تعلیم و تربیت اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. اگر عقل معلومات خارجی را تجزیه و تحلیل نکند و آن را به مثابه مواد خام برای دستیابی به معلومات جدید به کار نگیرد، بازدهی چندانی نخواهد داشت. یعنی علم، آن زمان مفید و ثمربخش است که در سایه عقل و استنباط حرکت کند و به مقصود برسد. در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، توجه به عقل و پرورش آن از جایگاه والایی برخوردار است. آیات قرآن مجید با الفاظ و تعابیر متفاوت، کلام معصومین (ع)، گفتار دانشمندان اسلامی در نوشتارهایشان مؤید این ادعاست؛ به همین سبب آیات متعدد با مضامین گوناگون انسان را به تعقل و تدبر و در یک کلام به عقل‌گرایی و خردورزی دعوت می‌کنند. بنابراین، تربیت انسان را با مبنا و اساس تعقل و تفکر پایه‌ریزی می‌کنند. برای مثال، در سوره‌های حج، آیه ۴۶؛ بقره، آیه ۱۶۴؛

1 . Nelson
2 . Osborne
3 . Browne

آل عمران، آیه ۱۹۰؛ رعد، آیه ۳ و انعام، آیه ۵؛ ناظر به تشویق، ترغیب و توجه دادن افراد به خردورزی است. در باب پرورش عقلانی از پیشوایان معصوم (ع) نیز سخنان گهرباری در این مورد ثبت شده است (سلطان القرائی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹).

برای نمونه در قرآن خداوند می‌فرماید:

«كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ؛ خدای متعال این چنین آیات را برای

شما بیان کرد، شاید فکر کنید» (بقره، آیه ۲۱۹).

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ؛ بگو آیا فرد کور و بینا یکسان هستند؟

چرا فکر نمی‌کنند؟ (انعام، آیه ۵۰)

«قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...؛ بگو که با چشم عقل بنگرند به آنچه که

در آسمان‌ها و زمین است» (یونس، آیه ۱۰۱).

نتیجه چنین مشاهده دقیقیه شکفته شدن عقل است و به همین علت روش فوق

یکی از روش‌های پیاده شدن اصل تعقل می‌باشد:

«كَثْرَةَ النَّظَرِ فِي الْعِلْمِ يَفْتَحُ الْعَقْلَ؛ نظر و نگاهت با دقت، عقل را باز و شکفته می‌کند»

(کافی، ۱۳۷۰، ص ۳۸۰).

بدیهی است که منظور از نظر و مشاهده فوق صرفاً یک دیدن ظاهری بدون تفکر

نمی‌باشد، زیرا چنین دیدنی هرگز موجب شکفتن عقل نخواهد شد.

آیات زیادی در قرآن وجود دارند که مردم را به تفکر، تشویق و ترغیب می‌کند.

علاوه بر آیات قرآن احادیث نیز مردم را به تفکر دعوت می‌نماید، حتی تفکر را به

عنوان یک عبادت بلکه بهترین عبادت‌ها معرفی می‌نماید؛ از جمله:

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «بِهِ بِالتَّفَكُّرِ قَلْبِكَ وَ جَافَ عَنِ اللَّيْلِ جَنَبِكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ

رَبُّكَ؛ به وسیله تفکر قلبت را بیدار کن و در شب پهلویت را از بستر جدا ساز و تقوای

پروردگارت را پیشه ساز» (طباطبایی بروجردی، ۱۴۰۷، ج ۱۴، ص ۳۱۹).

حضرت موسی بن جعفر (ع) به هشام فرمود: یا هشام! إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دَلِيلًا وَ دَلِيلُ

العقل التَّفَكُّرُ وَ دَلِيلُ التَّفَكُّرِ الصَّمْتُ؛ ای هشام! برای هر چیز دلیلی و راهنمایی وجود دارد

و دلیل عقل تفکر است و دلیل تفکر سکوت می‌باشد» (طباطبایی بروجردی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۳، ص ۲۸۶).

آموزش تفکر انتقادی

امروزه معلمان در همه سطوح از ابتدایی تا دبیرستان و دانشگاه به این نتیجه رسیده‌اند که بایستی دانش‌آموزان را وادار کنند تا تفکر کنند؛ نه اینکه آنها، فقط آنچه را که دیگران فکر کرده‌اند یاد بگیرند؛ بنابراین هدف عمده آموزش باید وادار کردن آنها به تفکر باشد. اولین مسئولیت معلمان در این مورد آن است که شاگردان را از مرحله به یادسپاری مطالب به مرحله تفکر سوق دهند. اساس یادگیری نحوه تفکر است که باید به شاگردان تعلیم داده شود.

معلمان با از میان برداشتن موانع در محیط‌های آموزشی که دانش‌آموزان را از فکر کردن بازمی‌دارد، باید آنها را کمک و تاحدی وادار کنند تا برای یادگیری توأم با تفکر وقت بیشتری صرف کنند.

آموزش تفکر مسئله بسیار مهمی است، زیرا دانش‌آموزانی که مهارت‌های تفکر انتقادی را در خود رشد داده و آن را به کار می‌برند قادر هستند به صورت مستقل فکر کنند. آنها محدودیت‌های دانش خود را تشخیص می‌دهند و موضوعات مهم را قبل از عمل کردن بر روی آنها تحلیل می‌کنند.

استفاده ماهرانه از تفکر انتقادی، دانش‌آموزان را قادر خواهد تا میزان پیشرفت خود را افزایش دهند و نتایج و نمره‌های بالاتری از آزمون‌ها را کسب کنند و موضوعات درسی را با عمق بیشتر، پایداری طولانی‌تر و حتی در سطح مفیدتری بفهمند.

بنابراین برای آموزش تفکر انتقادی، معلمان باید فرایندهای شناختی که تفکر انتقادی را بنیان می‌نهد، درک کنند و با وظایف، مهارت‌ها و موقعیت‌هایی که این فرایندها به کار گرفته می‌شوند، آشنا باشند و فعالیت‌های متنوع کلاس درس را که این فرایندها را بارور می‌سازند، به کار گیرند؛ در این راستا توجه به بعضی نکات ضروری خواهد بود (لیپ‌من، ۱۹۹۷، ص ۲۴۵).

اولین نکته آنکه، صرفاً حفظ و انباشتن مطالب در ذهن نمی‌تواند ملاک عمل باشد؛ بلکه برای این نوع آموزش لازم است معلمان چارچوب‌های مقتضی از جمله عادت دادن دانش‌آموز به خوب تأمل کردن، خوب اندیشیدن، خوب گوش دادن و دیگر مهارت‌های لازم را به دانش‌آموزان آموزش دهند.

نکته اساسی دیگر در آموزش تفکر انتقادی، آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی در شاگردان است که باید در دروس گوناگون رشد و گسترش یابند و این یکی از وظایف اساسی و خطیر معلم است، اکثر معلمان ملاک‌های تفکر انتقادی را نمی‌دانند و در این زمینه کمبود دارند.

وقتی ما دانش‌آموزان را به تفکر تشویق می‌کنیم، ما نمی‌خواهیم که دانش‌آموزان به سادگی آن چیزها را بیان کنند بلکه از آنها می‌خواهیم براساس شواهد و دلایل منطقی در آن مورد استدلال کنند، اغلب معلمان به این نکات آگاهی ندارند. اکثر معلمان، دانش‌آموزانی را که خوب می‌نویسند و یا روان سخن می‌گویند و شوخ‌طبع بوده و تفریح می‌کنند، به عنوان دانش‌آموزانی که خوب فکر می‌کنند قبول دارند.

بنابراین، نظام آموزش و پرورش به معلمانی نیاز دارد که فنون و مهارت‌ها را بدانند تا با آموزش و ایجاد مهارت‌ها در دانش‌آموزان به آنها کمک‌کنند و برای بهبود شیوه اندیشیدن خود به شیوه‌ای که آنان اطلاعات، عقاید و ارزش‌هایشان را بررسی می‌کنند، تلاش کنند. نکته اساسی دیگر این است که تفکر انتقادی در همه رشته‌ها، عناصر اصلی استدلال منطقی را با عناصری تلفیق می‌کند که آن عناصر برای قضاوت‌های درست با امر استنباط یا بهره‌گیری از استدلال استقرایی سروکار دارند.

بنابراین برای آموزش تفکر انتقادی در شاگردان ایجاد حالت کنش متقابل میان شاگردان و معلمان و ایجاد یک چارچوب سازمان‌یافته برای فرایندهای فکری و استفاده از مهارت‌ها و موقعیت‌هایی که این فرایندها به کار گرفته می‌شوند، ضرورت دارد.

انیس، مراحلی برای آموزش تفکر انتقادی قائل شده است. او تفکر انتقادی را به چهار بخش تقسیم می‌کند که هر بخش مهارت‌های خاص خود را دربردارد که به دانش‌آموزان قابل آموزش است (انیس، ۱۹۸۷، ص ۱۴۸).

۱. تعریف و طبقه‌بندی موضوع
 - الف) نتایج را معین کنید.
 - ب) دلایل را بیان کنید.
 - پ) دلایل بیان نشده را مشخص کنید.
 - ت) شباهت‌ها و تفاوت‌ها را دریابید.
 - ث) آنچه نامربوط است، تعریف و دستکاری کنید.
 - ج) خلاصه کنید.
۲. سؤالات مناسب برای تعریف یا بیان موضوع مطرح کنید.
 - الف) چرا؟
 - ب) نکته اصلی چیست؟
 - پ) چه معنا می‌دهد؟
 - ت) مثال چیست؟
 - ث) چه، به عنوان مثال مطرح نیست؟
 - ج) کاربردش چیست؟
 - چ) چه تفاوتی ایجاد می‌کند؟
 - ح) حقایق چیست؟
 - خ) آیا این آن چیزی است که گفته می‌شود؟
 - د) چه چیزی، اضافه بر اینها گفته می‌شود؟
۳. منبع مورد اعتماد را بررسی کنید:
 - الف) اظهار نظر فنی نماید.
 - ب) بین منابع توافق ایجاد کند.
 - پ) اعتبار - شهرت منبع را بررسی کند.
 - ت) روش‌های معتبر را به کار برد.
 - ث) خطر شناخته شده برای اعتبار و شهرت را شناسایی کند.

- ج) توانایی استدلال داشته باشد.
 چ) عادات دقیق داشته باشد.
 ۴. حل مسائل و ترسیم نتایج
 الف) استنتاج و ارزیابی نتایج
 ب) استنتاج و ارزیابی پویایی
 پ) ترتیب توالی پیش‌بینی احتمالی.

اسکرایون و پل^۱، سه مرحله برای آموزش تفکر انتقادی در کلاس‌های درس را ارائه نمودند (اسکرایون و پل، ۲۰۰۱، ص ۱۵۷).

مرحله اول: کشف مطالب

قبل از شروع کشف، معلم باید مفاهیم یا اصول اساسی و مهم مورد آموزش را به وضوح مشخص کند. سپس باید با درک مطالب، مواردی را که مربوط به مفاهیم هستند و شاگردان با آنها نسبتاً آشنایی دارند، انتخاب کند. شاگردان با این مواد کار را آغاز و دربارهٔ اکتشافات خود با شاگردان دیگر و معلم بحث می‌کنند. مهم‌ترین جنبهٔ این مرحله، ایجاد فضایی است که در آن پرسش، رقابتی طبیعی را برای ساختار فکری شاگردان ممکن می‌سازد و بدین وسیله زمینه لازم را برای تغییر و تحول ایجاد می‌کند. در مرحله کشف، معلم با طرح پرسش‌های اضافی و مبادرت به تشویق و حصول اطمینان از شروع عمل کشف در اموری که قصد آموزش آنها را دارد، نقش تسهیل‌کننده و سازمان‌دهنده را ایفاء می‌کند.

مرحله دوم: ابتکار و ابداع

در مرحلهٔ دوم معلم شاگردانش را کمک می‌کند تا از کنش‌های متقابل خود با مطالب و پرسش‌های ناشی از آن کنش‌ها به منزلهٔ نقطهٔ شروعی برای معرفی کلیات، اصول یا مفاهیمی که به کشفیات اولیه مفهوم می‌بخشند، استفاده کنند. طی این فرآیند، شاگردان به تدریج به درک امور در چارچوبی پرمعنا هدایت می‌شوند. در صورت لزوم معلم

1 . Scriven & Paul

ممکن است تجربیات یا اطلاعات اضافی را برای کمک به تنظیم ساختارهای نوین فکری شاگردان مطرح سازد.

مرحله سوم: کاربرد

در مرحله پایانی، شاگردان مفاهیم و کلیات تنظیم شده را در کار خود با یک رشته مطالب جدید ولی مربوط به آن، به کار می‌برند. هدف این مرحله تقویت مهارت‌های فکری تازه پرورش یافته است. معلم شاگردان را در استفاده از مهارت‌های تفکر انتقادی در کاربرد مطالب تازه حمایت می‌کند.

الدروپل آن دسته از جنبه‌های عملی که معلمان را در ایجاد محیط و اعمالی که باعث تشویق فنون و روش‌های تفکر انتقادی می‌شود، به طور خلاصه بیان می‌کند (الدروپل، ۲۰۰۱، ص ۲۳۴).

۱. هر جلسه را با طرح یک مسئله شروع کنید: طرح یک مسئله در اول جلسه باعث می‌شود تا علاقه شاگردان جلب گردد و آنان برای شرکت در بحث، تشویق شوند. البته شروع کردن جلسه کلاس با طرح یک مسئله یا پرسش بستگی به موضوع درسی دارد. معلم ممکن است از اخبار و مقالات روزنامه‌ها و مجلات استفاده کند و یا جلسه درس را با اظهار نظر درباره‌ی اتفاقی که در اطراف مدرسه روی داده است شروع کند.

۲. برای تشویق شاگردان به سکوت، از تعمق استفاده کنید: علاوه بر روش‌های حل مسئله و بحث و گفتگو و گاهی حتی تبادل پرشور عقاید، سکوت هم می‌تواند به رشد تفکر انتقادی شاگردان کمک کند.

بخشی از یادگیری تفکر انتقادی شامل تفکر و تعمق بی‌سر و صداست؛ هنگامی که شاگردان داوطلبانه به پرسش‌ها جواب نمی‌دهند، لازم نیست معلمان برای پیدا کردن حلاء ایجاد شده در پاسخ به پرسش‌ها عجله کنند. به جای آنکه آنها فوراً جواب را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند، می‌توانند مکث کرده، به شاگردان نشان دهند که آنها نیز برای جواب دادن متفکرانه به پرسش‌هایی که نیازمند قضاوت و تعمق هستند به زمان احتیاج دارند.

۳. فضای کلاس را طوری مرتب کنید که باعث کنش متقابل شود: فضای کلاس باید طوری طراحی شود که موجب تسهیل در امر تفکر انتقادی شود. معلم با قدری تلاش می‌تواند وضعیت کلاس را اصلاح و فضایی ایجاد کند که باعث تبادل افکار در بین شاگردان شود، ترتیب کلاس درس باید تقسیم شاگردان را به گروه‌های کوچک برای بحث و تمرین‌های حل مسئله آسان سازد.

۴. محیطی پذیرا ایجاد کنید: موفقیت بیشتر در زمینه آموزش تفکر انتقادی به جوی که معلمان در کلاس‌های درس خود ایجاد می‌کنند بستگی دارد. تلاش برای تشویق شاگردان به بحث و تبادل افکار اساساً به منزله این است که کلاس‌های درس به صورت محیطی پذیرنده درآید؛ یعنی جایی که هم شاگردان و هم معلمان می‌توانند احساس امنیت کنند و اعتماد به یکدیگر را افزایش دهند، چنین وضعیتی برای رشد تفکر انتقادی مهم است.

۵. تکالیف نوشتاری: تکالیف نوشتاری یکی از بهترین فعالیت‌ها برای تحریک تفکر است و برای توسعه بسیاری از مهارت‌های تفکر انتقادی می‌تواند مفید باشد؛ این تکالیف موجب می‌شود دانش‌آموزان اطلاعات و عقاید خود را منعکس کنند، اطلاعات منابع مختلف را ترکیب کرده و ارتباط آنها را مورد سؤال قرار می‌دهند. ماهیت دقیق تکالیف نوشتاری که در آموزش تفکر انتقادی مؤثرند، براساس رشته تحصیلی متفاوت است. با این وجود سه نوع تکالیف نوشتاری که برای تقویت این امر مفید است عبارتند از: خلاصه‌های کوتاه، مقاله‌های کوتاه تحلیلی، پروژه‌های خارج از کلاس.

در زمینه آموزش تفکر در اسلام، اندیشمندان اسلامی توصیه می‌کنند که اندیشه و علم دو عنصر اساسی زندگی فردی و اجتماعی است و به پرورش نیروی تفکر و آموختن علم متناسب با توانایی‌های افراد توجه دارند. اندیشمندان اسلامی در آموزش دینی با الهام از تعالیم قرآن تأکید فراوانی بر ارزش عقل و تفکر دارند و معتقدند تربیت اسلامی تمام توان خود را در راه رشد و تعالی اندیشه آدمی به کار گرفته است. آموزش مجموعه معارف اسلامی به شاگردان این امکان را خواهد داد تا ارزش تعقل و تفکر را در گشودن افق‌های نو در برابر آنان و توانایی تجزیه و تحلیل مسائل و دفاع از عقاید و

تقویت ایمان او درک کنند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۳۱۵).
 تعلیم اسلامی به منظور ایجاد توان فکری و کمک به فهم، به سؤال و مناقشه دانشجویان از استاد توجه داشته است و شرم در پرسش را از آفات دانش دانسته‌اند. در دیدگاه اسلامی به شاگردان فرصت داده می‌شود که آزادانه آنچه را در دل دارند، بیان دارند (درانی، ۱۳۷۶، ص ۱۲).

عمده‌ترین روشی که در اسلام برای درگیری فکری یادگیرنده با مطالب درسی استفاده می‌شود روش مباحثه یا مناظره نامیده می‌شود. این روش به گسترش روحیه درست علمی کمک می‌کند و موجب بالا بردن سطح اندیشه و رشد ذهنیات می‌گردد. در این روش مسئله‌ای مطرح می‌گردد و حاضران در بحث شرکت نموده و به گفت و شنود نظرات همدیگر می‌پردازند (غنیمه، ۱۳۶۴، ص ۲۵۸).

مشارکت فعال و جدی طلبه در فرایند تدریس، در قالب روش‌هایی مانند مباحثه، پیش مطالعه، تدریس حین تحصیل و بحث علمی با استاد در حین تدریس است. مباحثه دروس، یعنی پس از ارائه درس از سوی استاد، طلاب در حلقه‌هایی به تکرار درس و بحث پیرامون آن می‌پردازند. مباحثه تأثیر چشمگیری بر یادگیری براساس تصمیم و هدف، تحکیم آموخته‌ها و یادآوری مجدد، تقویت یادگیری، بروز استعداد و شکل‌گیری گرایش، دقت و سرعت انتقال، سنجش فوری، تمرین درسی، ایجاد و تحکیم مناسبات گروهی، انتقال و تعمیم مهارت و دانش دارد (میرزا محمدی و صحبت‌لو، ۱۳۸۶، ص ۶۲).
 بنابراین اسلام به اندیشیدن کاملاً عنایت داشته و در موارد متعدد مردم را به تفکر دعوت کرده است؛ به طوری که می‌توان اسلام را به‌عنوان طرفدار تفکر و تعقل معرفی کرد.

کاربردهای تفکر انتقادی

– فکر کردن به عنوان هدف اصلی کلاس درس، باید به طور جدی به معلمان معرفی شود. هر درس، درس تفکر است و اساس هر یادگیری از تفکر تشکیل می‌شود. در هر سن از دبستان گرفته تا دبیرستان و در هر موضوع از ادبیات گرفته تا ریاضی، باید مهارت‌های اندیشیدن را آموزش داد. معلم باید بر مهارت‌های فکر کردن، مطالعه کردن

و چگونه یاد گرفتن مجهز باشد، چون وظیفه دارد چگونه یاد گرفتن را به دانش‌آموزان آموزش دهد؛ نه موضوع‌های درسی را، این مهارت‌ها باید فعالانه آموزش داده شوند.

- روش‌های تدریس مبتنی بر ایجاد تفکر انتقادی به معلمان آموزش داده شود تا سرانجام دانش‌آموزان نیز با دید انتقادی به آرای معلمان بنگرند.

- معلمان باید نسبت به اختلافات فردی موجود در هر کلاس حساس باشند. در مورد شاگردان کم‌تجربه، راهنمایی، تحریک و تشویق ضرورت دارد. شاگردان برای تکمیل و تمرین روش‌های عادات مربوط به تفکر، نیاز به فرض‌های بی‌شماری دارند. معلمان در ضمن برخورد با مسئله تقویت تفکر انتقادی در کلاس باید متوجه اختلافات فردی باشند و شاگردان را با توجه به تمایلات سطح معلومات و تجربیات او به تفکر تشویق کنند.

- آموزش مهارت‌ها و روش‌های تفکر انتقادی مستلزم بازاندیشی درباره نقش معلم به منزله سخنران است؛ به عبارتی دیگر، معلمان باید محیط‌های یادگیری مثبتی برای شاگردان فراهم آورند و این محیط از طریق جلب علاقه شاگردان، چالش فرایندهای فکری و ایجاد فضایی که در آن احتیاط و انفعالی بودن جای خود را به تفکر فعال و تبادل نظر می‌دهد، مساعد می‌گردد.

- معلمانی که صمیمانه میل دارند شاگردان را به فعالیت‌های فکری تشویق کنند باید این نکته را به خاطر بسپارند که تفکر انتقادی امری نیست که معلم بتواند به دلخواه خود به شاگردان تحمیل کند، شاگردان در تلاش خود برای پذیرش انواع جدید تفکر، این فرایندها و چارچوب‌ها را دگرگون می‌کنند؛ بنابراین معلمان می‌توانند از طریق تشویق به بحث، پرسش و سایر روش‌های مناسب برای تبادل فکری میان خود و شاگردان در کلاس، به این فرایند و سازندگی کمک کنند.

- فضای کلاس باید طوری طراحی شود که موجب تسهیل در امر تفکر انتقادی شود. کلاسی که میزها معمولاً در یک صف مستقیم پشت‌سرهم قرار دارند؛ به طوری که شاگردان می‌توانند به راحتی معلم را ببینند، بدون اینکه قادر به دیدن همه همکلاسی‌های خود باشند، با این فرض که این معلم است که منبع همه چیزهای مهم است، جایی برای تفکر انتقادی نمی‌ماند، معلم با قدری تلاش می‌تواند وضعیت کلاس

را اصلاح و فضایی ایجاد کند که باعث تبادل افکار در بین شاگردان شود. میز و صندلی‌ها را می‌توان به شکل دایره‌ای، چهارگوش، U شکل یا نیم دایره مرتب کرد که شاگردان بتوانند یکدیگر را ببینند.

- تلاش برای تشویق شاگردان به بحث و تبادل افکار اساساً به منزله این است که کلاس‌های درس به صورت محیطی پذیرنده درآید، یعنی جایی که هم شاگردان و هم معلمان می‌توانند احساس امنیت کنند و اعتماد به یکدیگر را افزایش دهند. چنین وضعیتی برای رشد قوای تفکر انتقادی مهم است.

- موفقیت بیشتر در زمینه آموزش تفکر انتقادی بستگی به جوئی دارد که معلمان در کلاس درس خود ایجاد می‌کنند. شاگردان باید به آرامی به نقش‌های فعال بحث و گفت‌وگو و حل مسئله هدایت شوند. شاگردان با دقت بسیار منتظرند که ببینند معلمان تا چه حدی به اظهارنظرهای آنها احترام می‌گذارند؛ می‌توان گفت بهترین محیط کلاس درس برای تفکر انتقادی محیطی است که در آن شاگردان به مهمانانی می‌مانند که از آنها به خوبی استقبال می‌شود و معلمان به منزله میزبانان مهمان‌نوازی که عملاً از آنان پذیرایی می‌کنند نه فقط با تعارفات زبانی و خشک و خالی.

- براساس نگرش اسلامی برای آموزش تفکر به دانش‌آموزان توأم بودن علم و عمل ضروری است، زیرا آموزش بدون عمل معمولاً پایدار نمی‌ماند؛ بنابراین معلمان باید در تدریس خود هم به جنبه نظری و هم به جنبه عملی مطالب درسی توجه نمایند.

- مربیان اسلامی معتقدند که معلمان باید تدریس را با رأفت و محبت شاگردان توأم کنند، زیرا این رویه شاگردان را برای آموختن آماده‌تر می‌کند و او را به درس و معلم علاقه‌مند می‌سازد و جو لازم را برای آموزش تفکر فراهم می‌سازد.

- در تربیت اسلامی باید به سن زمانی و عقلی و درجه رشد و استعداد شاگردان توجه شود. - مربیان مسلمان برای آموزش تفکر به دانش‌آموزان به روش‌های مختلف تدریس روش مباحثه و مناظره جایگاه ویژه‌ای قائل هستند و معتقدند که مباحثه و مناظره در مسائل علمی، به یادگیری و فهم عمیق و همه‌جانبه علوم کمک می‌کند و قدرت بیان و تجزیه و تحلیل افکار و عقاید شخص را فزونی می‌دهد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۶)، *فلسفه تربیت*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- طباطبایی بروجردی، حسین (۱۴۰۷ق)، *جامع احادیث شیعه*، قم: مؤلف.
- درانی، کمال (۱۳۷۶)، *تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام*، تهران: انتشارات سمت.
- سلطان القرائی، خلیل (۱۳۸۴)، *فلسفه تعلیم و تربیت و آرای تربیتی*، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- کافی، شیخ حسن (۱۳۷۰)، *شناخت در اسلام: از منظر وحی*، تهران: انتشارات میقات.
- غنیمه، عبدالرحمان (۱۳۶۴)، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمه نوراله کسائی، [تهران]: انتشارات یزدان.
- میرزامحمدی، محمدحسن و علی صحبت‌لو (۱۳۸۶)، «تبیین اهداف مشترک حوزه و دانشگاه»، *فصلنامه دانشگاه اسلامی*، شماره ۳، سال یازدهم.
- Bensley, Alan, D (1997), *Critical thinking in psychology*. International Thomson publishing company.
- Browne, Neil (2003), *Critical thinking is objective*. College student Journal.
- Ennis, Robert (1987), *Integrating critical thinking skill into the classroom*, College student Journal. VOL 41, 326-353.
- Elder, Linda, Paul, Richard (2001), *Critical thinking to some purpose*, Journal of Developmental Education, Vol 25-D10.
- Lipman, Matthew (1997), *Thinking in Education*. Cambridge mass Cambridge university press.
- Nelson, T. O (2001), *Meaning of critical thinking*. Critical thinking and Education. Cambridge university press.
- Osborne, D (2002), *Critical thinking skill – building for facilitators metacognition*. The master Facilitator Journal.
- Santrock, J, w (2007), *child development*, New York: McGraw- Hill.
- Scriven, M & Paul, R (2001), *Increasing student's thinking skill*. College student Journal.
- Stenberg (1978), *On Improving through instruction*. Educational leadership. V.43, 44-58.